این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

عمل عجیب و غیرمنتظره حضرت مسیح(ع) برای آموزش تواضع به عالمان

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):

عیسی(ع) به حواریون گفت:«من خواهش و حاجتی دارم، اگر قول می‌دهید آن را برآورید بگویم.» حواریون گفتند:«هرچه امر کنی اطاعت می‌کنیم.» عیسی از جا حرکت کرد و پاهای یکایک آنها را شست. حواریون در خود احساس ناراحتی می‌کردند، ولی چون قول داده بودند خواهش عیسی(ع) را بپذیرند، تسلیم شدند و عیسی پای همه را شست. همین که کار به انجام رسید، حواریون گفتند:«تو معلم ما هستی، شایسته این بود که ما پای تو را می‌شستیم نه تو پای ما را.»

عیسی(ع) فرمود:«این کار را کردم برای اینکه به شما بفهمانم که از همه مردم سزاوارتر به اینکه خدمت مردم را به عهده بگیرد «عالِم» است. این کار را کردم تا تواضع کرده باشم و شما درس تواضع را فرا گیرید و بعد از من که عهده‌دار تعلیم و ارشاد مردم می‌شوید، راه و روش خود را تواضع و خدمت به خلق قرار دهید. اساساً حکمت در زمینه تواضع رشد می‌کند نه در زمینه تکبر، همانگونه که گیاه در زمین نرم دشت می‌روید نه در زمین سخت کوهستان.»

کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب «داستان راستان»، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۳

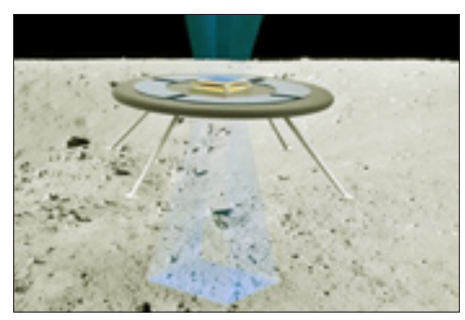

بشقاب‌پرنده‌ای بی‌نیاز از سوخت

کانال تلگرامی «زومیت» نوشت: پژوهشگران MIT بشقاب‌پرنده‌ای طراحی کردند که می‌توان بی‌نیاز از سوخت، اطراف ماه معلق بماند. انرژی مورد نیاز بشقاب پرنده از میدان الکتریکی حاصل از قرارگیری در معرض نور خورشید و پلاسمای اطراف آن تأمین می‌شود. در غیاب جو، تابش خورشید باعث ایجاد بار الکتریکی بر سطح ماه می‌شود که می‌تواند گرد و غبار سطح ماه را در ارتفاع بیش از یک‌متری، معلق نگه دارد. جالب اینکه امکان استفاده از انرژی ذرات معلق باردار، وجود دارد.

سهم پایین شرکت‌های ایرانی از بازار تجهیزات نفتی

مهدی مهرپور در توئیتی نوشت: ۸۲۰ شرکت تولیدکننده تجهیزات نفتی در کل کشور داریم. بازار تجهیزات نفتی در ایران چیزی حدود ۱۵ میلیارد دلار است. ۸۵ درصد توان ساخت داخل در بازار داریم. و نکته آخر اینکه سهم داخلی‌ها از بازار به این بزرگی آن هم در شرایط تحریم زیر ۳۰ درصد است.

ناهماهنگی در مدیریت کرونا در حوزه آموزش

محسن پورعرب در توئیتی نوشت: وزیر آموزش و پرورش میگه شرط تزریق واکسن و ارائه آزمایش منفی کرونا برای حضور در مدارس برداشته شده اما وزارت بهداشت میگه مصوبه‌ای مبنی بر حذف شرط تزریق واکسن و تست منفی کرونا برای حضور در مدارس ابلاغ نشده! پس از نزدیک به دوسال از شیوع کرونا در ایران همچنان ناهماهنگی موج می‌زند.

تصویر منتخب

کاربری با نام «اسماعیل» با انتشار تصویر فوق نوشت: این تمام چیزی است که ما انسان‌ها هستیم. همه اعضای دیگر تکامل یافته و ساخته شده‌اند که فقط این عضو اصلی به حیات و بقای خود ادامه دهد.

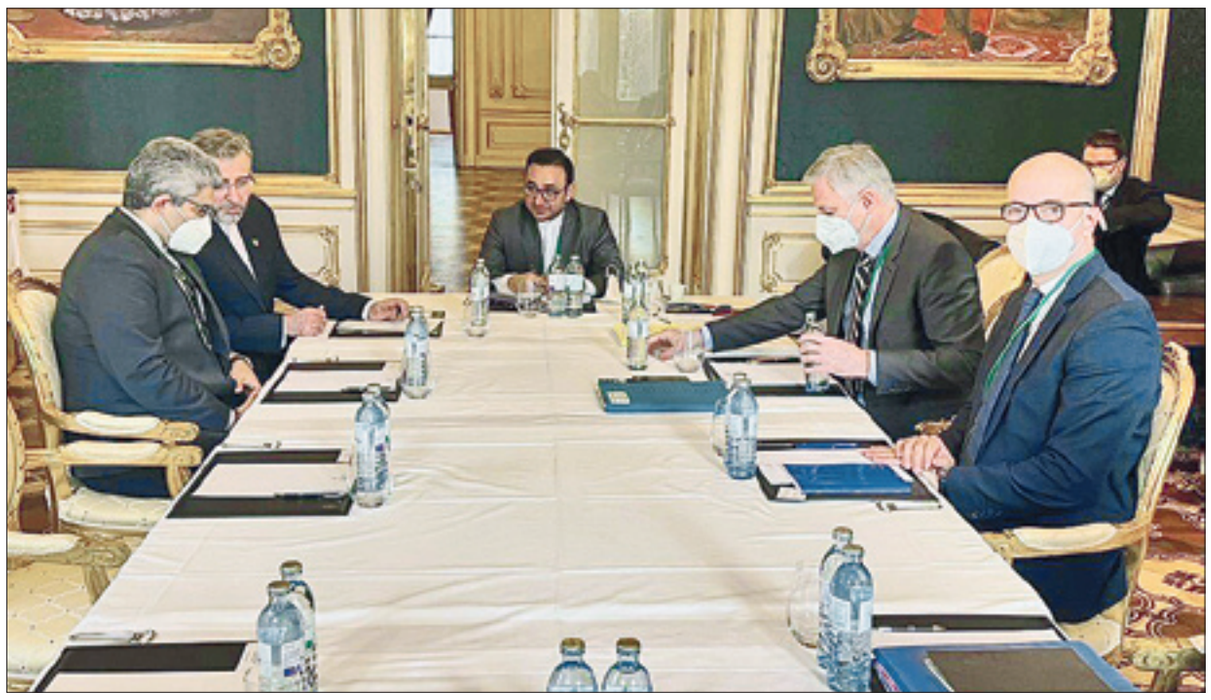

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به بحث‌های حاشیه‌ای درباره مذاکرات وین

به جای حاشیه‌پردازی علیه مذاکره‌کنندگان منافع ملت را مطالبه کنید

بار دیگر حواشی مذاکرات وین در شبکه‌های اجتماعی مهم‌تر از متن شده است و کاربران با پرداختن به مسائلی همچون چرایی مذاکره نماینده روسیه با امریکا در خصوص برجام یا همراهی مترجم با تیم مذاکره‌کننده ایرانی دهها توئیت نوشتند. عده‌ای از منتقدان تیم مذاکره‌کننده معتقدند همراهی مترجم با تیم مذاکره‌کننده ایرانی در واقع نشانه ضعف تیم ایران است اما در مقابل کاربرانی پاسخ داده و همراهی مترجم را در حالی که تیم ایران در دوره قبلی از نبود مترجم ضربه خورده است، واجب می‌دانند. البته بسیاری از کاربران معتقدند اساساً پرداختن به این مسائل تنها از روی سیاست‌بازی و برخورد متعصبانه است و تنها نتیجه‌اش دور شدن از اصل مطلب و پرداختن به مسائل سطحی و حاشیه‌ای است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های مختلف کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **احمد بیات:**
متأسفانه که کاربران شبکه‌های اجتماعی به جای آنکه به دنبال انتفاع اقتصادی از مذاکرات وین و رفع تحریم‌ها باشند و این رویه را نقد و طرح جدید ارائه کنند، دائماً درگیر حواشی مختلف و بی‌جهت هستند که نهایتاً جز به هم ریختن اعصاب کارشناسان تیم ایرانی آورده‌ای برای ملت و ایران ندارد.

■ **الهام نصیری:**
مخالفت‌های بعضی‌ها با تیم مذاکره‌کننده ایرانی کاملاً نشان از آن عمق کینه‌شان دارد. انگار می‌زنند که تیم بلند نشود و مذاکرات پا نگیرد و توافقی حاصل نشود. یکمی هم منصف باشیم بد نیست.

■ **محمد کرمانی:**
صحبت از بردن و نبردن مترجم همراه با تیم مذاکره‌کننده اساساً بی‌خودترین بحثی است که می‌شود در خصوص مذاکرات بیان کرد. واقعاً چرا باید در هر مسئله مهمی شبکه‌های اجتماعی ما به نازل‌ترین بحث در آن باره بپردازند؟ چرا مسائل را اینقدر سطحی می‌بینیم و تحلیل می‌کنیم؟

■ **کیان مهزاد:**
مسخره کردن کوبیدن خودکار روی میز، پرداختن به تضمین بودن یا نبودن امضای کری، ساعت‌ها بحث درباره تصویب ۲۰دقیقه‌ای برجام، تمسخر تیم ۴۰ نفره مذاکرات جدید، جوک ساختن از مترجم بردن به مذاکرات و... همه حواشی بی‌جهت است که ساعت‌ها وقت کاربران را می‌گیرد تا به مسائل مهم‌تر توجه نکنند.

■ **مجید شاکری:**
در حالی که مذاکرات اساساً همان مسیر غلط آقایان جلیلی، ظریف و عراقچی را طی می‌کند و به جای «انتفاع اقتصادی» روی «رفع تحریم‌ها» متمرکز است، افراد بحث می‌کنند که بودن مترجم، خوب است یا بد یا مذاکره مستقیم بهتر است یا غیرمستقیم.

■ **مهدی قاسم‌زاده:**
حضور مترجم در مذاکرات را به سخره می‌گیرند و به بهانه عکس منتشر شده از مذاکره نمایندگان روسیه و امریکا برای عزت کشور فاتحه می‌خوانند. مهم در یک مذاکره، میزان داده و ستانده و تضمین منافع ملی کشور است و امریکا برای بازگشت به میز مذاکره مستقیم اول باید با اثبات عملی حُسن نیتش، به برجام بازگردد!

■ **احمد وکیلی:**
طوری می‌گویند مذاکرات امریکا و روسیه عزت ما را خدشه‌دار کرده که انگار قرار بوده در مذاکرات ما بخوانیم آنها دیکته کنند. طبیعی است که کشورهای مختلف سهیم در این توافق جلسات متعددی می‌گذارند تا به نتیجه برسند.

■ **مصطفی غفاری:**
اونایی که از ۱۸ سالگی امریکا بودن و زبانشون هم فول، تفاوت بین برخی کلمات رو نفهمیدن و سرمون کلاه رفت و چندین میلیون دلار خسارت خوردیم و داریم می‌خوریم. حقوق یه مترجم در برابر حجم خسارات ناچیزه. بذار بهش بدن ولی کلاه سرمون نره.

■ **کاربری با نام «عیار»:**
تیم مذاکره‌کننده جدید یه دونه مترجم که هیچ، ۲۳ تا مترجم هم ببره خیلی بهتر از اینه مثل قبلیا فرق تعلیق با لغو رو نفهمه. هرچی می‌کشیم از این ظاهربینی‌هاست.

به بازماندگان متوفیان امید به زندگی را تزریق کنید

فردین علیخواه، عضو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان در کانال تلگرامی خود نوشت: جمله‌هایی تکراری که هر بار در مجلس ترحیم یا ختم شرکت می‌کنم می‌شنوم: «دختر که بابا نداره یعنی هیچی نداره»، «دختر بدون بابا یعنی باغ بدون باغبون، باغ بدون باغبون جز گل پرپر چی داره؟»، «دختر بدون پدر چطوری می‌خواد زندگی کنه، گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را»، «وای؛ دیگه بوی بابا توی خونه نیست»، «بعد از این میگی کجایی بابا، کجایی تا سرمو بذارم روی شونه‌هات و گریه کنم»، «یتیمی بد دردیه، یتیم باید درداشو به کی بگه» و...

بیایید با هم موقعیتی فرضی را تصور کنیم. یکی از دوستانمان که مجرد است پدر یا مادرش را از دست داده است و ما اتفاقی او را در خیابان می‌بینیم. سرمان را پایین می‌اندازیم تا نشان دهیم که چقدر از این اتفاق ناراحتیم. بعد با او وارد صحبت می‌شویم:«تو دیگه بدبخت شدی، بدبخت روزگار، واقعاً میخوای بعد از این چه کار کنی؟ یه کم فکر کردی؟ نه فکر کردی؟ تو دیگه یتیم شدی، یتیم! می‌فهمی من چی میگم؟ تو می‌دونی یتیم بودن یعنی چی؟ بعد از این میری خونه تنهای تنها هستی، دیگه تنها و بی‌کسی، همش به درودیوار نگاه می‌کنی، مثه دیوونه‌ها، با خودت حرف می‌زنی، احساس می‌کنی بدبخت‌تر از تو دیگه توی دنیا نیست، هیییییی! دنیا! بیچاره، خیلی دلم واست می‌سوزه!» جمله‌هایی که در ابتدا از مداحان آوردم دقیقاً شکل دیگری از همین موقعیت فرضی است. درواقع اثر هر دو بر بازمانده یا فرد سوگوار یکی است و آن، احساس فقدان تکیه‌گاه، در خود فرورفتن، احساس یأس و ناامیدی است.

تقریباً در همه جوامع و فرهنگ‌های دنیا، وقتی فردی یکی از وابستگان خود را از دست می‌دهد اطرافیانش تلاش می‌کنند تا با جمله‌ها و رفتارهایشان، امید او را به زندگی تقویت و زمینه آن را فراهم کنند تا به شرایط عادی زندگی بازگردد. درواقع «دلداری دادن» یکی از سازوکارهای شناخته‌شده جوامع در مقابل افرادی است که سوگوارند. این ادعا نیاز چندانی به توجیه یا اثبات ندارد. معمولاً همه ما هنگام ورود به یک مجلس ترحیم، ضمن دست دادن با سوگواران، جمله‌هایی می‌گوییم که بیانگر سلامتی، طول عمر باعزت، صبر برای بازماندگان و آرزوی رحمت الهی برای متوفی باشد. در کل جمله‌ها مثبت و بیانگر تداوم جریان زندگی است.

جدا از فرهنگ عمومی، امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، روش‌های مختلفی برای کمک به اطرافیان و وابستگان فرد متوفی به کار گرفته می‌شود. هدف اصلی از به کارگیری این روش‌ها، کمک به وابستگان متوفی برای بازگشت به زندگی عادی و کسب امیدواری در طول زندگی است. چون فرض بر آن است که برای مثال، درگذشت پدر یا مادر ممکن است شوک شدیدی بر فرزندان وارد آورد و در نتیجه لازم است تا با به کارگیری مکانیسم‌های مختلف از شدت این شوک کاسته شود.

متأسفانه در بسیاری از مداحان این ذهنیت وجود دارد که درآوردن اشک حاضرین به هر قیمتی و با توسل به هر جمله‌ای، تضمین‌کننده رونق کسب‌وکار آنان و معیار موفقیت آنان در این شغل است، ولی بدیهی است که آنان نه طبق فرهنگ عمومی ایرانی، نه طبق یافته‌های علمی روز و نه طبق تجارب مثبت دنیای جدید گام برمی‌دارند. اکثریت آنان گویی به هیچ‌چیز جز اشک حاضرین فکر نمی‌کنند. آنان درواقع مداح یأس و ناامیدی‌اند تا مداح امید و زندگی!

مداحان عزیز مجالس ترحیم! به بازماندگان متوفیان امید به زندگی را تزریق کنید. یادآوری مصیبت به مصیبت‌دیده هنر نیست. این کمال بی‌رحمی و سنگدلی است که به نوجوانی که پدر یا مادرش را از دست داده اینچنین دلداری بدهید.

اصلاح نظام مالیاتی، تنها راه کاهش تورم

کانال تلگرامی «ویرگول مدیا» نوشت: اگر نظام مالیاتی اصلاح نشود، خلق پول ادامه یافته و تورم افزایش می‌یابد و هر چقدر هم که حقوق‌ها افزایش یابد، جبران‌کننده نیست. اما با اصلاح نظام مالیاتی ضمن کاهش تورم، دهک‌های پایین از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و جلوی فرار مالیاتی دهک‌های بالا گرفته می‌شود.

سرانه بالای مصرف نوشابه در ایران

آرش غفاری در توئیتی نوشت: سرانه مصرف نوشابه در کشور ما ۴۲ لیتر و در کشورهایی که وضعیت تغذیه بهتری دارند حدود ۱۲ لیتر است. بدن برای تنظیم PH خون بعد از ورود اسید فسفریک موجود در نوشابه از کلسیم استخوان استفاده می‌کند. آره... دنیا دوروزه، ولی یه قیمت داروی پوکی استخوان رو هم بپرسید بد نیست.

«چمدان» از کجا به ما رسیده؟

دکتر یونس شکرخواه در کانال تلگرامی خود به نقل از ایسنا نوشت: چمدان از کجا به دست ما رسید؟ واژه چمدان از کجا آمده و سیر تحول آن چگونه بوده است؟

در یادداشت سجاد سرگلی، مدرس ویرایش و نگارش که آن را در صفحه شخصی خود منتشر کرده است، می‌خوانیم: چمدان واژه‌ای روسی است، اما با تباری فارسی. جامه‌دان از فارسی به تاتاری که از خانواده زبان‌های ترکی است، رفته و از تاتاری به روسی و این بار از روسی به فارسی بازگشته، همراه با تغییراتی. سیر تحول این واژه چنین است:

جامه‌دان (فارسی) ← چَمِدان (تاتاری/ترکی) ← چِمُدان (روسی) ← چَمَدان (فارسی)

دکتر علی‌اشرف صادقی در مقاله کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه ورود آنها فهرستی از کلمات روسی که وارد فارسی شده‌اند، آورده و برای هر یک توضیحاتی سودمند ارائه کرده است.

واژه چمدان مرا به یاد شعر علیرضا آذر می‌اندازد:

چمدان دست تو و ترس به چشمان من است/ این غم‌انگیزترین حالت غمگین شدن است
... دل به دریا زده‌ای پهنه سراب است نرو/ برف و کولاک‌زده راه خراب است نرو
بی تو من با بدن لخت خیابان چه کنم؟/ با غم‌انگیزترین حالت تهران چه کنم؟

چی هدیه بدهیم؟

حانیه میرزایی در کانال تلگرامی خود به نکاتی در خصوص هدیه دادن پرداخت. خلاصه‌ای از مطلب او در ادامه مرور شده است: یه مطلب خوندم که تحقیقاتی نشون داده که اگر شما یه تجربه یا experience رو به کسی هدیه بدین، اثرش خیلی موندگارتر از کادوهای گرون‌قیمته. منظور از تجربه چیه؟ چیزایی مثل یه سفر، یه کلاس، حتی یه ماساژ یا بلیت سینما برای یه فیلمی که میدونین طرف دوست داره.

داشتم فکر می‌کردم که خیلی از ماها واقعاً کادو دادن بلد نیستیم و چیزهایی که کادو میدیم واقعاً چیزی نیست که طرف رو خوشحال کنه. حالا درسته که یه ضرب‌المثل مسخره داریم که دندون اسب پیشکشی رو نمیشمرن ولی شاید بد نباشه به چند تا نکته اشاره کنیم.

من معتقدم در یه دنیای ایده‌آل واقعاً کادو نباید اجباری باشه؛ یعنی چون به زور جایی دعوت شدی یا از طرف کادو گرفتی و حالا حس می‌کنی باید بهش کادو بدی نباید بری یه چیزی بخری. این کادوها همیشه معلومه که از سر باز کنی و بی‌ارزشه.

هدیه باید متناسب با جیب و نسبت طرف با شما باشه. هدیه معنی دار یا حتی گرون به کسی که نسبتی باهاتون نداره معنی خوبی نداره و حس خوبی رو انتقال نمیده و بهترین و ساده‌ترین کادو چیزیه که طرف بهش احتیاج داره؛ مثلاً دوستتون میگه دلم میخواست این بوت رو بگیرم اما پولم نمیرسه، این دقیقاً بهترین هدیه‌اس براش. اگر نمیدونین به چی احتیاج داره، میرسیم به اینکه چی دوست داره و برای این قسمت باید بشناسینش. کتاب مورد علاقش، فیلمی که دوست داره، جایی که دوست داره سفر بره و ببینه و... اگر نمیشناسینش امن‌ترین انتخاب کارت هدیه است. و در آخر اینکه باز هم شناخت حرف اول و آخر رو توی کادو میزنه، شما ممکنه به یکی مثلاً یه وسیله ورزشی بدین و اون خوشحال بشه و یکی دیگه ممکنه فکر کنه منظورتون اینه که اون چاقه و بهش بربخوره و تا آخر عمر چیزی که شما به عنوان هدیه میخواستین بهش بدین براش یه خاطره بد بمونه.

۶ عادت غذایی که استرس‌تان را بیشتر می‌کند

کانال تلگرامی «تبیان» طی مطلبی از شش عادت غذایی که استرس را بیشتر می‌کنند، نوشت. موارد آمده در این مطلب عبارتند از:

۱) منیزیم کافی دریافت نمی‌کنید. از منابع غذایی منیزیم مانند غلات کامل یا سبوس‌دار، مغزها و دانه‌ها، سبزیجات برگ‌دار و حبوبات غافل نشوید.

۲) قند و کربوهیدرات‌های تصفیه‌شده زیاد می‌خورید. از هله‌هوله‌ها دوری کنید، وعده‌های غذایی‌تان شامل منابع سالم پروتئین باشد و هیچ وعده غذایی را حذف نکنید.

۳) کافئین زیادی مصرف می‌کنید. در مصرف مواد غذایی کافئین‌دار مانند قهوه، چای، نوشیدنی‌های انرژی‌زا، شکلات و برخی داروها مانند مسکن‌ها احتیاط کنید.

۴) به‌اندازه کافی امگا۳ نمی‌خورید. منابع غذایی امگا۳ مانند ماهی‌های چرب، گردو، دانه کنجد، دانه چیا و بذر کتان را در برنامه غذایی‌تان بگنجانید.

۵)میکروبیوم روده‌تان نیاز به تنظیم مجدد دارد. بیشتر منابع پروبیوتیکی دریافت کنید؛ مانند ماست، کفیر، مکمل پروبیوتیک و غیره.

۶) بدنتان را کم‌آب نگه می‌دارید. آب و مایعات کافی بنوشید و از دمنوش‌های آرام‌بخش مانند بابونه، به، بادرنجبویه و ... نیز غافل نشوید.

امیرالمؤمنین(ع) را چگونه به عنوان نماد وحدت معرفی کنیم؟

داود مدرسیان در کانال تلگرامی خود نوشت: سخن گفتن از اختلافات شیعه و سنی و پرداختن به اهانت‌های برخی ناصبی‌ها به حضرات اهل‌بیت(ع) و اهانت‌های برخی شیعیان به مقدسات اهل سنت، بسیار سخت است. چه باید کرد که همواره کسانی هستند در دو طرف، آگاهانه یا ناآگاهانه به مقدسات همدیگر اهانت می‌کنند! تکلیف ما چیست؟ کدام مشی را قبول داریم؟ چگونه باید عمل کنیم؟ به نظر، فهم این مسئله بسیار پیچیده نیست که ما می‌توانیم حضرت امیر را عامل وحدت و حاکم تراز معرفی کنیم. چگونه؟

ما شیعیان، حضرت امیرالمؤمنین را جانشین برحق حضرت رسول‌الله(ص) و اولین امام می‌دانیم و اهل سنت حضرت امیر را به عنوان خلیفه چهارم قبول دارند و او را صحابی حضرت رسول و عاری از خطا و اشتباه می‌پندارند.

حالا که حضرت امیر به عنوان فصل مشترک ما شیعیان با اکثریت جهان اهل سنت مطرح است بهترین راهبرد چیست؟ بهترین طرح و برنامه چیست؟

بهترین راه این است که بیاییم بگوییم ای شیعیان و ای سنی‌ها، بیایید طریقه حکومت و حاکمیت علی بن ابیطالب(ع) را از حاکمان و حکومت‌های خود مطالبه کنید. بیایید فرامین حکومتی حضرت امیر را از مدیران و مسئولان خود در کشورهای ایران، عربستان، امارات، مصر، پاکستان، افغانستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، ترکیه و غیره بخواهیم که سیره حکومتی علی بن ابیطالب(امام اول شیعیان و خلیفه چهارم اهل سنت) چه بود و چرا به آن سیره عمل نمی‌کنید؟

بیاییم نهج‌البلاغه حضرت امیر و آن همه خطبه‌های سنگین در وصف عدالت و عدالتخواهی را در جوامع شیعه و اهل سنت گفتمان کنیم و از حاکمان شیعه و سنی بپرسیم با این خطبه‌ها چه کردید و چرا به این خطبه‌ها عمل نمی‌کنید؟

بیاییم حاکمان شیعه و سنی را امر به معروف و نهی از منکر کنیم چرا در مبارزه با فساد، تخلف، رانت، باندگرایی، قومیت‌گرایی و فامیل‌سالاری از روش علی بن ابیطالب(ع) استفاده نمی‌کنید؟ بیاییم نامه علی(ع) خلیفه چهارم اهل سنت به جناب مالک اشتر را در جوامع و مجامع اهل سنت و عالم تشیع بازخوانی کنیم. آیا این مدل معرفی امیرالمؤمنین، عامل وحدت نیست؟ آیا اینگونه سیره حضرت امیر را اگر نشر بدهیم بهتر است یا مدام به این فحش بدهیم و به آن لعن بفرستیم؟ آیا مجامع اخوت و تقریبی در بین شیعه و سنی اینگونه امام‌علی(ع) را معرفی می‌کنند؟ اگر معرفی می‌کردند که امروز وضع این نبود!

به جد معتقدم اگر دوره حاکمیت ۴، ۵ ساله حضرت امیرالمؤمنین(ع) را که فصل مشترک بین اهل سنت و شیعه است بازخوانی کنیم، شیرینی و حلاوت وحدت و اخوت حقیقی را همگان خواهند چشید. وگرنه مدام بر طبل اختلافات کوبیدن و خط و مشی برخی از منبری‌های عزیز را ادامه دادن، جنگ مذهبی مورد نظر انگلیس و امریکا را در ایران و جهان اسلام شعله‌ور خواهد کرد!